

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشش نامتلفی

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴۱۱

شنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۲۹

## سوء تفاهم نشود

فردوز نامه از شماره ۱۲۸۳ که بپای ایران منتشر میشود منقاه  
« نغمه نامیون استقلال گردستان » نامه تحت عنوان « پاسخ به  
جراید فارسی ایران » باشماره « کومه گرجانی گردستان » چاپ شده  
بود و نویسنده گان ارجمند ایران ما که تحت احساسات وطن پرستانه فرار کرده  
بودند آنرا بحساب کومه مهاباد منظور و تفرغودرا از این نامه بوسیله هنرهای  
که برای معاله انتخاب شده بود اظهار دوشه بودند.  
تथा چیزی که نویسنده گان محترم ایران ما را دچار اشتباه کرده بود لغت  
کومه بود برای رفع این اشتباه لازم است خاطر صوم خواننده گان را مستحضر  
سازیم که نامه مزبور چنانکه امضایش آراء آن است مربوط به کومه مهاباد  
نیست بلکه منطبق به کومه گرجانی گردستان می باشد چیهیت جوانان گردستان و آقا  
میباشد دلیل هم اینست که علاوه بر اینکه چنین باین نام در عراق موجود است  
لغت گرجانی که یعنی جوانان است لغتی است کردی مخصوص کردی عراق  
و در هیچ مای گردستان ایران این لغت مصطلح نیست بنابراین از همگان آن روزنامه  
ارس و ایران ما انتظار داریم رفع این اشتباه و سوء تفاهم را از خواننده گان  
خود بنمایند.

## مهاباد جدا شدنی نیست

۱ بطوریکه اطلاع حاصل شده است چند نفر کرد نامفاهی  
معد - ایلمخانی زاده - محمد حسین سیف قاضی - علی رحمانی -  
حمزه آفاماش - عبدالمیرحاجی حزمه جان و چند نفر دیگر که  
خود را از روساه و مفلحنی محلی اکراد منطبقه مهاباد و موسین  
سرسو کومه قسما کرده اند چند روز پیش بتبریز وارد و بلا-  
فاصله بدون اطلاع مامورین محلی و طی مراحل قانونی و بدون اخذ  
گردنامه بطرف پادکوبه حرکت کرده اند.  
بطوریکه اطلاع داده شده است حزب کومه حوری است  
که اکثر اکراد مهاباد تشکیل یافته است و اساسا مهاباد است  
شبه حزب دموکرات آذربایجان میباشد یعنی طرفدار استقلال  
گردستان است.

این نامه در این مورد حزب مطلق  
میشود پس کنگه کومه به تنهایی نمیتواند  
صرف یک سازمان سر و پا یک حزب مطلق  
دار استقلال کرد باشد و این مدعا  
و میتوان قبول نمود که اساسنامه و  
گرامرنامه و یا مدارکی دان بر این مدعا  
درست باشد والا بعرف اینکه جبهیتی  
در مهاباد وجود دارد دور از انصاف  
است آنرا طرفه تر و خواهان استقلال  
گردستان نایب.  
ح دل شبیه و نوری توگرگفته نعرش  
میگنیم جبهیتی وجود داشته باشد و این  
جبهیتی خواهان استقلال گردستان باشد و  
اینجا ناگزیریم وضع مهاباد را در نظر  
بگیریم و باغود فکر کنیم چاره ممکن  
است چند فکری در ده های او کشنه  
آجا ایجاد کنه اا آها این فکر خود بخود  
ممكن است در مردم ایجاد شده باشد یا  
ممكن است مولود یک سیاست خارجی باشد  
فرض اول که مردم بدون مقدمه باین  
فکر آمده باشند قدری دور از ذهن و  
میتوان گفت غیر قابل قبول است هر فرد  
باید تفهید آن دست خارجی از حکما  
دراز شده که میخواهد مهاباد را در آغوش  
گیرد.  
با کمال تأسف در اینجا باید اقرار  
نمود که متذرا ما مستحضر سیاست مای  
خارجی است عدای خود را امان تالیس  
و عده دیگر بدمان روس اداخته و بنه.

بازر ا اطلاعات در خصوص طرز تربیت افراد مزبور به تفکوری  
از طرف وزارت خارجه اعتراض گردیده و برای رجعت آنها اقداماتی  
نموده اند.  
قتل از روزنامه اطلاعات شماره ۸۷۷ دوشنبه ۹ مهرماه  
این خبر که روز گذشته در روزنامه های نومی به دیگرها منتشر  
بماند برای عموم کسانی که استقلال و عظمت ایران ملافتند بسیار  
توگوار و ناخوش آور بود تقریباً هم که از این خبر شرمه براهبیت  
موضوع افزوده چینه خاصی آن بخشیده است.  
اگرچه اطلاعات ما در این زمینه عبارت از این است  
است که در جرایم منتشر شده ولی از لحاظ اینکه خواننده گان را  
برای اهمیت و تاثیر آن در اصل استقلال کشور پیش و رفاه گردانیم  
تجزیات خود را ذیلا مینگاریم.  
هر گاه هر فن و ادراست تجزیه کنیم به قسمت در آن خواهیم  
یافت.  
۱- در مهاباد جبهیتی بنام کومه وجود دارد که طرفدار  
استقلال گردستان میباشد  
۲- عدای که خود را دوستای کومه مهربانی کرده اند بدون  
گذرنامه پادکوبه رفته اند  
۳- ملت صافرت اگرچه صریحا در غیر ذکر شده ولی  
بهرستی جارات آن چینه میسرانده که برای مذاکره با اعدای  
در زبده استقلال گردستان بوده است.  
۴- فرض آنکه ما مهاباد این خبر تا چه اندازه صحت  
دارد در همه جای این خبر شیوا را فوی گرفته فرض میگویم کومه ای  
در مهاباد بدون دانسته روسای آن سری مذاکره در موضوع استقلال  
گردستان بدون دانسته مهاباد کرده رفته باشند ما آن فرض است  
و امروز بررسی فرار دادنا تصابیکه منظور باشد با انشرا از شرح  
و بیست بحث مختصری میگویم.  
کومه لغتی است کردی که منایش گروه و جبهیت است بنا بر

بپه در صفحه ۸

### خبرهای کشور

#### انحلال که نه خاور میانه

در این ان کبیته خاور میانه که دوامر تین سیه به و نوبوع کلاهما در کشور های مامور میانه درمست کتبه نصارت داشت مست مربوط بکشور ایران را متعل نمود و ا ایران کتبیته م زوبنگی نویب دولت ایران گردید فقط درمست قند و معاشی و لاسیک تاس ا ز تومسه حل و حل درمی نظارت خواهه داشت بقرار اطلاع ۲۵ هزار حلقه لاسیک تعویب دولت ایران شده است که مورد استفاده وسعن با یاری ترار کردید.

#### بازرسی بسیار واری

آدی محمد شمیرانی : - باورس میار آموزش روستایی وزارت فرهنگ منسوب شده است.

#### بازدید بسیارستان کودکان

بسیست آغاز سوبین سال نامیس بسیارستان کودکان روز شنبه ۱۶ می رساعت چهار ویم بدین اظرفر ایا حضرت هایون شاهنشاهی بسیارستان کودکان را بازدید فرمودند.

#### انتخاب مجلس

آقای سید محمد صادق طاسطالی بپرست مجلس شورای ملی - آرای منشد مدنی به نمایند اول و آقای امیر نیور کلانی به نیابت دوم انتخاب شده

#### خردیاری اموال متفقین

پس از کسبون هاومده کرات اراجع به غریبه اموال متفقین دولت چنین تقسیم کرد که کلیه اموال مورد احتیاج ادمین واکرا طرفه وزارت راه مسورت بهار می شده خریداری کند.

نهیست بهسار اموال و کلامای مورد نیاز دیوان معاضله ادامه دارد.

#### لادکشی آب کرمانشاه

پس از اینکه در نتیجه مساعی آقای ساسان شایسته کرمانشاه شده و پروژه لوله کشی آب کرمانشاه تهیه و ز طرف اعلیحضرت همدانی دو میلیون و پانصد هزار ریال اعطاء گردید هر شکی بنام وزارت کتبه سهای اوله کشی آب تودوین برق کرمانشاه با سرمایه چهارده میلیون ریال تأسیس گردید. ز طرف ا حضرت هایونی آقای ساسان ماموت داشته تا انجام مقصود بهیست و اداملازمه ادامه دهد.

#### رئیس سرستانی کرمانشاه

آقای پاییز ۲ فرج الله خدیو بپرست سهای کرمانشاه منصوب و بحصل مهوریت خود حرکت کرده.

#### بارداشت کلاهدار

مرضی هاشمی که در حدود چهار میلیون و شصت و هشتاد هزار تومان در بار بار با یک ا و احسن صرافی س دفتر استاد رسمی شماره ۵۰ کتبه داری کرده و معنی شده و چند روز پیش خود را دادستان تهران معرفی نموده و بارداشت کرده انتصایات وزارت دادگستری آقای محمد احمد انصاری بست گردندی علی الدل دادگستری گشان آقای محمد نعمت سروازی بست کارمندی علی الدل دادگستری ساوه

#### فمانده لشکر

آقای مرتضی نعلی شاه میونی فرمانده لشکر ۱ کرمانشاه روز ۸ مهر ری به گردستان وارد مشغول کار شده اند و بسا تو باه نیز با هوای بسیار کتی کرده اند

### فکاحای کشت کاران نونون

#### اشنوبه از انحصار دخنیات

وزارت جلیله کشور و نونون عینا انحصار دخنیات رنوشت مینا روزنامه کوهستان.

فویان کشت کاران نونون بخش اشنوبه از اول سال جاری با ثنوب و نوبعدی که از طرف انحصار دخنیات حینت اوردید کشت نونون امانی این بخش گوشرده شده بود همگرا با نهایت جدیت هملا محصور امدام کشت و تهیه بهترین و مرغوبترین نوع نونون چون در حدود ده هزار هکتار تهیه در این باره از هیچیکو کوزه به ضایحه نموده ام و بانصارت تشکیل کیسیون خرید در محل مثل سنوا کشته که از سال ۱۳۱۳ بطور متوالی در قصبه اشنوبه مرکز این بخش تشکیل کیسیون خرید شده بود خود را حاضر و آماده در کتبه که از اوضاع و دسترعلی خودمان چره نمودنیم اتمرا انحصار دخنیات اعیان مارا جدل بیاسی نمود و بدون اینکه ساینه او بخرید و نظر کتبه بنام دخنیات حینت از امانی مبادد کیسیون خرید در این باره واصل تکبر ایشا ۲۱۵۲۲ مورخه ۲۴/۷/۲۱ مورف نموده و ابلاغ داشته ام جنس خودمان را به مهاباد حل و غروش برسانیم مانند گان که تمام هستی و دارایی خود را صرف بیست آردون این محصول نموده ایم ملت مصداقش هر چه زیاد زنده گانی و همه پریشی حمل میجوچه قادر تقسیم جنس خودمان راه مهاباد حل و آنجا غروش برسانیم . استنها آست با در نظر گرفتن ساینه متوالی منتر فرموده در این موضوع انحصار دخنیات معف توجع بدون فرمودن مثل سنوا ثل حرجه و در دفتر سنوا کتبه تشکیل کیسیون این بخش در محل صادر که با فراغت حال جنس موجودی را در محل به ابارت دولت تعویب نموده تا بکلی فویان از هستی ساسط تعویب من به هم بیانه و وقتن سرخا به ادامه کشت این محصول و اوردید آن در آید مشغول و بسراحم مبدول دولت امینوار گردیدیم

از طرف هزار اوردیدت خنار کت کت مضمون نونون اشنوبه ساضی اشنوبه ذات آن تهری - از طرف خنار هشت بخش اشنوبه محمد امیر خناری - نایبده قصبه اشنوبه - محمد امیر خناری - رئیس شهر یاری و سرپرست اشنوبه احمد حین زاده - رئیس خناری - ذوقا موسی ذوقا.

ترکیه را که اطرافش و احاطه نموده بوده از زمین برده قصبه باشکند و در شمال و کوه تودورکا و در جنوب اشغال و شهر های ایلدر و با یزید و وا بعضی بیاندانه.

ترشکسی مساموت داشت با همه ای ایل شکان شهر نظیر اراستان از زمان و تهیه بار فارس و ساری قاقش و با طرف آزارات مسعودا بناید.

در فرمان حله تاریخ حرکت هر منطقه تصریح شده بود این امری در نسخ متنده تهیه و بررسی مربوطه ابلاغ شده بود فرماده گردید این تکرید که پس از گذر از این طرفان بالای این سال پس از تهیه این حله بهر دسترعلی و تعدیل سکه متناسب با اموال امنیت ملیون کرد باشد مثل آردود ری این سکناس پس سرین باقا و وسول برینری را با همه وسواریه گلی زبلا نروانه کرد.

برای سرکمری ترک هابروز تقوای کرد اطراف فیان تپدا معاصره نمودند. همه از ده قری سقاسی سکه از اشاع بخرید بود برای تأسیس ارتباط از حدود استحکامات شروع خارج و از کوه سر از برنده بسود و میواشته بطرف با یزید بیکی از دست های آزاراتی بسر خود سکرده و در نتیجه سکنه منحصری سکی کتبه شده و راسحه های شان بدست آزاراتی اماند

در این موقع از طرف رفته های سکوچک آزاراتی حله های نابیش خود را شروع نموده از اینها دست هر کنوری با بود شرایط بسیار نامساعد خود را با اولین سطح دفاع نظامیان رسانیده نایبشان کرد و سر فرستادی کتبه اسلمه امینشان را گرفته با خود آورد. چکه تا به امروز ادامه داشت.

## وقایع آزارات

۱۶۰

لذا فرمانده سکرده معمم شد بکنک مرکز مقاومت هم مساتد آزارات در گلی زبلا ن ( دره زبلا ن ) و کوه میان ( آرایه ) یون که ترکیه بنط - یحان سچوا شد ایجاد و در سن حرکت اوسپر شکان داده سخته ستاد ارتش ترک را بهم بر نه ایل مهور حیدان بسرای جهران گشایان فانی خود داوطلب این حله شده چندی قبل بتوسط سخته معالی خوی یون از فرماندهی کرد اجازه شروع و دستور حمایت را تقاسم نموده بود

گلی زبلا ن منطقه دویم بود که در چنک بزرگالی ۱۹۱۶ مانند آزارات دوی روسیه ترار را خود راه نهاده تا آخر جنگ خاکش را از هر تجاوزی حفظ نموده بود لذا امتحان خود را داده لیانت و شایستگی خویش را ثابت کرده بود

با این سابه فرماعتی کرد سنق داشت باین فعل مسادرت جوید سقوما اینکه امانی محل هم داوطلب این حله شده بودند . امیر های کتبه در تقسیم حرکت این حله صادر شده امانه بریا کز رگ گلی زبلا ن از وجود نوای ترک اشغال شهر های با یزید اوجیش - اراس و سخی هادل جوار را هم لازم شمرده بود. این وظایف بکنک حله ای جلای سیده طراف معالی حیدران واگذار شده بود

در این اناء نوای آزارات هم موظف بود بهیست های تویب شده

پلم آتای جسر جدری

اراسته ج

## نوجه یشتی به ایلات و عشایر لازم است

مقدمت قبل از فرود عشایر طلب از جانب آتای کرد در ایلات، مهربان و شایسته روزنامه‌ای که هوشیاران کوهستان که لطفاً غایب صفحات گرانمای روزنامه را برای نوشتن در دلدن و تذکرات لازم به یرون شماره دو، شماره هبه میگردانید، بدو رونبه سپاسگزار و موفقت هیئتگی اش را و انجام این خدمت اجتنابی و ملی آرزو نمودم.

### اما اصل موضوع:

خواستند که کم و بیش اطلاع دارند سال گذشته هیئت مرکب از سه ای از روستای ایلات: مشکور - مامش - گورک گردستان برای تصرف چشور آب معصومت هابری بطهران آمده.

این عهد و عهد های دیگر بجهادت برودند های ... کرده در موافقت و تمات تارک از هیئت که به فکری در وادار من عداوتی نداشته و خدمات آتای معصوم آذر همبرو ۳۴ بند میاز مایان است مطعین میباشند که فدرای حفظ امنیت چان از بهار کرده و فدرای خود را نسبت بشفقتند حسب روش رسیده و حق و حق مصلحت سفین بنیان آتای برود گراش. های غریب آتای هابری ماسور رسیده میبودن و یوزل برست ثابت کرده که ایران هریز او نایب و آتای بایران تمات دارند. مصادره ورود آتای مصادف با تزلزل کابینه و تشنج دولت وقت بود و این روز و وقت آباد تیران بطول انجامیده دولت وقت موفقت شد بر این سه آتای توجه نمود با اجساد و هابی آتای را به ادامه خدمت تشویق نماید.

مصدق شده است ایستگاری دولت بوجه شایسته ای از طرف نفس اطاعت و شایسته های سیران شد با اطلاع از خدمات چندین ساله آتای هر یک را بوضع برام شاهان امیناد برای ادامه خدمتگداری و هشیار ایستگاری فرمودند.

این نوازش در دل آتای چای گرفت من چون در یک خانه ادیبی کرده خدمتگزار نشو و نسایافته ما خوب دیده‌ام آراء مردم یوزل بنده تمیل وید و هشیار آتای مقام ظاهری نیست بلکه الله جنتی بهش از هزاران کلمه ایست وادی در آتای موفقت است.

منظور از ذکر مقدمه فوق تظاهر و مشابهت بیوردی میباشند مقامات عالیله کنکور و باصرفی اشخاص خدمتگزار منی نیست بلکه میباشند موضوع اساسی مردم توجه دولت و بوضع ایلات و عشایر نمودن قسمت گردستان خصوصاً تذکره قوم و بکوم در وادار گذشته آتای هر یک که نظار

## « اثر طبع جوهری »

دیگه روز و شو کارم دما دوز بار به شینه سرور بر که له هجرانی وطن سر تا به بی شینه نخوشن ملنی ایران طبعی دواتیش ناشی لیتیشی انتظاریش بو خوشی ملت نخوشینه همواران له بی کاری دکن تکرار بی عاری ولی تکرار و کاری من هومی پسینه یا شینه شراب و شاهد ششم له شود اشعله آهه شهودم عادله شرم له آخرین هوم شینه دجوشم هر و کوفزان در زم آتشک وک باران ندهاوه جوشش و کوشش شی من بوی جوشینه هتا جوشش نکا بحری راده و عزمی مردانه دلایمی حوصله ما قال و قیله وختی گوشینه دیو شین چارشوی عارود نوشین جامه بی عاری آنومردی له بو بو شاکتی تو بو شینی پوشینه له اشکی هر و کو یاقوت بیالی چار لیب بو شو وروز کار و باری جوهری لم باده نوشینه

## تنگراف

### قدردانی

مقام وزارت فرهنگ و نوروت بین فرهنگ سرستانها و نوروت بینا کارگاری. در نوروت آتای معصوم و نوروت بینا اصلاحات. در نوروت بینا مهربان. و نوروت کوهستان ازادته شهر برو ۲۰ اوضاع فرهنگی مهاباد اهر جت عقب سال ۲۳ دراز تیر عواجت مستعظم باذرات گذشتن روستای ناضل و معب قاری تالانه از های رفیع و بیوردی و روز افزون گردیده. فعلا آتای علی غسری که بیگفت فرهنگ ناب گردیده هقیقی است تحصیل کرده. آدرس رومه - آشنایکت آموزش بدر و خدمات چهار ساله که دستهای دیدی. همدی بازوسی داشته کمال جدید به بیشتر فرهنگ معاصرین ماسوق و اولیای شاکردان جلب حتی از متوق قبل خود از اساهفت به شاکردان بی خدمات دروغ تبوده با اظهار شرمندی کامل از امتزایه تاضا دار بوزارت فرهنگ معاصرین این شخص را فراموش نرموده مورد فرمایید در رفیع نواضی فصاحت و تکشیر. لوازمات فرهنگی این شهرستان اجابت بیلیغ و لیرول زمانه که بیشتر سایل و بیشتر از دست مردان آتای در و لوازم فراهم باشد تشویق آتای علی غسری موجب زیندواری خواهه گردید.

از طرف اعمالی مهاباد معصومانی - از طرف فرماندهار مهاباد علی غسری. حسین حمیدی. حسین صدیقی. ملا محمد - معروف شانی معصومه زاده. جده الله کریمی. حسین خانی. عبدالسیدی. یوسف خانی و جیمیزاده - خرازی - حسن معصومی - وهاب پورتیان - اسبیل هرینی. سید پوران - درسیان - مولی زاده - معصوم سلطانیان - از طرف کارمند فرهنگ ماسوق - معصوم صدیقی - علی صاحبی. میرمحمد متاج - سید معصومی - حاجابان - معصوم داودی - عزیز صدیقی - سید نایبان - حبیب داودی. معصوم داودی - معصوم موسوی

میرت از طرف دولتبا اقدامی در بیوردی وضع آتای و در پیگی شکایتان تند حال که امید رفع مشکلات مبرود شایسته است دولت ما مطالعه کافی به بود وضع این طینه و اهم از کرد - لر - قشالی بختیاری و قیله در برنامه اصلاحی خودهای دعد.

ملا از جمله اصلاحات تاسیس اداره امور عشایر است. دوجندی قبل معصومات ابتکار فراهم شهودر نتیجه سی و باجماعت جناب آتای اسد (امیرچک) مایند. جناب شروای ملی که سیده نگارنده از اشخاص وطن پرست و شرافتمند هستند قرار بود این اداره تاسیس شود.

تاسیس این اداره که اولین قدم اصلاح و ضرورت ایلات بنظر میرسد بیوته تشویق اتحاد بدون آتایک معلوم باشد برای چه از اینک بکسر میرزا شهاب مامور برای این نواضی و اجابت معصوم است. برای ایستوار کردن مردم برای تشویق آتای بهد مامورین این مناطق از میان وطن پرست ترین و با ایمان ترین مامورین دولتی انتخاب و کسانی اعزام شوند که به فرستگاری و حسن نیت معروف باشند تا از راه طبع و خبت باطن دست بکارهای ناشایسته نکرده چندین جمع به معصوم سینه متلذذ و شکر و ماست بر ما بدرای اشخاص نداشتند باشد.

وضع کنونی باید تغییر داده شود. زیرا ظالمین فودن مردم و دلسرد کردن آتای پیش از این جایزیست همین شخص که در مقدمه مقاله با آنها اشاره شد چندین ماه است سختی را که دولت برای آتای مین کرد برداشت شده و با سینه مفری آتای داده نشده است و با کسان دیگر که مورد احترام مردم هستند و دولت برای آتای مفری تمین کرده معصومات آتای فرست من اب ملات جناب شیخ عبدالرحمن خمس الدین که یکی از زوچاها شیخ طرف احترام مردم مهاباد است ذکر میشود که از سال ۱۳۲۲ تا کنون مفری ایشان را بپرداختند.

نگارنده بنام دکترا در ایلی و با طبرست متصص نکات فوق را تذکره یاد آوری نمود و غیر از روح آزادی ملی و وطن پرستی بهرک و رنگ دیگری ندارد انتظار دارم این اظهارات له ندای یک ناب حساس است دواولای امور معصوم جناب آتای نفست وزیر که ایشان را مرد آزادی. خواه ناخشیصتی میدانم صورت واقع شده توجه معصوم خود را بامور ایلات و عشایر معصوم فرماید.

# گرمانشاه متروک

-۴-

**همی نام جا، پدنه ندنه کام**  
**بنداز کام ویر افراز نام**  
 تر آسمانی و تنای غوطه ور شدن دور  
 هیش و هشرت جز بختی و نخلات تر  
 دیگری نبیده.

از این بر هر فرد از افراد کشور لازم است اگر علاقه خود و خانواده و شهرستان و کشور خود دارد، از این برای آشنایی با مردم، دیدن و الاصلوات رو - کار جان ارواد ز کون خواهد ساخت که اثری از آثارش برای ما بماند.

چنان که بر اعظمتش پای  
 کافر خاشاک او افتد، پای  
 توحید باستان و ده است کعبه  
 پدیدت و ضحعلل و اعتراض یک خانو ده  
 پایتخت پایتخت من بر روی و لایستی  
 مرده آن و ده است.

مبارکی ایستاده می شود از دو روز سابق و لایق امتثال زیاده آدمی ولی میان اینها میاید اگر یکی از کشور های فعلی را ضربه اش فساد موجب موجب آزردگی کرده فقط بیست معروف فرانسویا انگلیس کشمیکه کمی میاید.

## کاخچه اروپایی بازی ساخته

شده اندک بلک فووت بند است»  
 از لحاظ تثبیل نسوری به نهار استی  
 کردم. حکایت عبرت آمیز سارا دادان اقبال  
 آخیری بادشاه آسورا برای خوانندگان  
 گرامی میا از شارع - امانت تالیف مشیر  
 الدوله پیرایا نقل میاید:

«سارا دادان اقبال آخرین نوشته اش آسورا است. آن آسوری و تنبلی و غوطه و رفتن در هیش و هشرت از مبادی دماغان آسور کند شد و خود را از نظر مردم نمان مبدعات و هوارده و صبر حرد در مبارزان بی قدری و اوقات خود را بطور لیسنگه در ایند مانند زبان ساختن رنگ آفرهانی - میل آوردن مشق و پرورشن جامه زنان و آراستن پوش - بزک کردن صورت و آراستن عطرهای متنوع بود و این کارها بقدری افراط کرده که از بس تن بر روی از زبان به حلقم کوی سفتندار بود.

شب و روز سمرکات زیاد استمال میکرد بیه نوع نوش و عشرت میرد داشت و بدرجه پیروا و بی شرم بود که آشکارا اعمال زور و قبح را مرتکب میشد، بالاخره با بیچارگی و بجای رسایید که در حیات خود کسب نمیری برای خود ساخت و کتب برای آن زبان برهرا (غیر نوابها) نوشتند که یکی از نوابها آنرا چنین ترجمه کرد:

دای هرگلد ییج بان کنو لانی

من عبد الشيطان فاجنوه لعانم تلخون  
 (ای گناهناکه که گریوید بر شاو و غار و بت ها از پلید کردار  
 شيطان است بس اجتناب کنيد از اينها تا بنده بر سگزار شويد )

## ۲- از سوره مائده ۹۲ تا ۹۴ انما يريد الشيطان ان يوقع بكم العداوة والغفائة في النحر والمسر وهدى كما عن ذكركم للهوعن الله وهفة اولاتم منته ره

(جز این نیست که میخواهد دشمنان را بدین جهت از میان شما هفتی و کینه و ادر شراب بخورد و نفاش باشتن و بزار بداند شما را از ایام خدا و از نایبها با شما بازار ایستاد گاید)

تا آنکه مسلمانان ایران و بخصوص کرمانشاه میمذکر باشد که از این آت اجتناب فرمائید سراسا قدر آن کریم نبی شده است و مساجله بواسطه ایادی مرموزی روز بروز در بین آنان توسعه پیدا میاید خواه نام باوجه باصطاف کلی آنان منجر خواهد شد. کسانی که بتاریخ سرکار دارند میداند با دشمنان سابق هم مرموع میباشند مصلحت با منتهی را فضیل ساید این اعمال منجم را در وجه آن روح پیدا کند مثلا در موفسیگ کوبی که پیش از فتح ایلی رسکت و گروس پیدا شد ایلی را هرا هرا داشتند که راه باو خردند که قلمی خردش کرده اند ایبا گروس مشاوره و کلایه کرد سکه تکلیف من با آن

کوشم و دولت چیست گروس باو گلت برای اینکه لیدها به با آن این طرفان کشند و بخرا که لیدها سلطه بر ندانند و زبرد ایامی میوشد. ه کشایش همه دریا کشند و اطال خود را نواختن آلات مرموبی و تجارت عادت همه بزوی خواهیید دیه که مردان لیدی زانی خواهند بود و خیال تو از گوشه دور ا هارعت خواهد شد.

سپاسی گرامشاهی ایستاد آریاری شاه عالی تامل نیست که بقدری شروس و صبر و مصرف هرق در شهرستان شراوچ داشته باشد که شهرستان گرامشاه فقط در سال ۱۲۲۳ بابت نواچ و سب سود بازرگانی شترت ۱۵۳۱۳۷ ریال ( چهار میلیون و یازده هزار و چهارصد و هشتاد و نه ریال) عوارض معده. چون از هر بیاضه هرق و شراب شترت زده و صرف گرفته می شود.

عوارض نواچ سب هقیقه هرق

۱	شهرداری
۲	سود بازرگانی
۳	عوارض نواچ سب بک شیشه شراب
۴	شهرداری
۵	سود بازرگانی

بنا بر این میتوان گفت ( هر چند اداره وسومات متعلقه آسورا معین بود این که در مورد نداد) بطور متوسط مصرف سالیانه کرمانشاه پستانش از نین که بطور تقریبی سده با فغان در سواز تنیه و بلرزش میرسد در حدود ۳۲۵۹۹ بقری هرق و شراب میشد و از این رقم مستفاد میشود سده هر کلا برای یک بقری هرقه ۵ ریال و بالغ بقری شراب ۵ ریال بود مصرف سده هجی که بقدر هفتاد و پنج ۱۵۹۱۹۲۰ ( یازده میلیون و شصت و نوزده و هشتاد و پنج) است ریال) خواهد بود. مسکن است این با بالغ گراف جوش این مصرف بیجا بصرف امور مالیات هفتاد و نوزده و پنجاه و سه است. مسکن است این با بالغ هرقه بیست و هشتاد و نه ریال) خواهد بود. مسکن است این با بالغ گراف جوش این مصرف بیجا بصرف امور مالیات هفتاد و نوزده و پنجاه و سه است. مسکن است این با بالغ هرقه بیست و هشتاد و نه ریال) خواهد بود. مسکن است این با بالغ گراف جوش این مصرف بیجا بصرف امور مالیات هفتاد و نوزده و پنجاه و سه است. مسکن است این با بالغ هرقه بیست و هشتاد و نه ریال) خواهد بود. مسکن است این با بالغ گراف جوش این مصرف بیجا بصرف امور مالیات هفتاد و نوزده و پنجاه و سه است.

## هوالمک ما کرده توضیح

(سنت است که هر چه آترا برهم زده پوشی سفتندار شود)  
 ناچاریم ازله غلط مختصر نبودن مقاله خود از ترمیمه بگردانیم. هر گز منظر نام و مهم قضا از کلا است هجی که هیش آت مبعیر آسمانی آوردن زبان چهار صد میلیون نفوس مسلمان است و اشعار دارم که خود را از بیرون آن متنه دو آیه از مضرات الکلی و قمار نفی کردیم.

۱- از سوره مائده آیه ۹۲ تا ۹۴

یا ایها الذین آمنوا انصروا النحر و المیسر و الاصلاب و الازالرم جسی

## مهلبان جدا شدنی نیست

بیته اصلاحیه

بگری بیگانه را انتقاری میدانیم کار  
ببهر رسیده که گدایان شرف مدون خود را  
مغتر میدانند که باخوش فلان سفیر آشنایی  
دارد و این را برای خود نقطه انتقالی می  
پندارد.

در موضوع مواد هدایا که گاه آنجا  
را مورد نظر و سوخت و دستور ممانعت  
شوروی میدانند و سرودی صلح حیات  
شوروا مجرد اطلاع از اشتراک شوروی  
آغاز کرده.

برخی دیگر مانند یوسته کلاوز نامه  
ایران من نویسنده و اگر از خود برسیم  
که این بحث چگونه از کجا آغاز میشود  
برای پدید آوردن آن باید کوشش خود نمود  
و از این کتب، با او و خیلی باز، آموخه که به  
تواند از پشت پرده های ضخیم هم که  
پیک شهر رموز را در آغوش خود می  
خنثارد، دوپشت قاره اروپا و از میان جزیره  
بلوک کتلانین قام شنیدنی و دیدنی ها را  
بیند و بشود و پدیدم نمک آرا سکه  
با شکل مختلف و گوناگون در مراکز  
و نقاط مخصوص تکرار می شود چستینو  
کلاید.

### اما نظر فدایی راست افکار گردستان

بگری طرفداری از استقلال گردستان  
چند مرتبه پیش بنویسان تصور کردو که  
فرقی کنیم طرفداری از استقلال گردستان  
با طرفداری گوشه مهاباد باشد آنچه  
محل خارج نخواهد بود.

۱- مهاباد به تهاقی گردستان مستقلی  
تسکلی ردهد. این فرض خیلی دور از  
دفعه - چه گانه و غیر ممکن است.

۲- مهاباد از ایران متزع و ضمیمه  
اتحاد جماهیر شوروی کرده.

۳- مهاباد به تهاقی مردم مهاباد  
و هم تناسب تقسیم سرمایه گمان نبرود  
این فرضیه منور خواهانی از لایب سرمایه  
این فرضیه باشد چون نوعی در مهاباد  
در دست و رسائی شایر و کسانی است که  
با توفه اختلاف نمانش دارد در غیر متعلق  
بودن این فرض من ثابت می شود.

۴- مهاباد با ضمیمه شهربان های  
گردستان غیر ایرانی دولت مستقلی تشکیل  
دهد. این فرض هم مایل ترویج نیست  
در هیچ نقطه ای از گردستان در فکر  
هیچ گردی این فرضی نیست بنا بر این  
فکر راهم باید کنار گذاشت.

۵- قدری از ایران خارج می شود.  
در اینجهان استقلال گردستان کلاچادی  
است کردهای تری که جدا خواهان آزادی  
هستند و سالیانی شدادی است در این راه  
مبارزه میکنند قیام کرده اند خون  
دهنیا شده است که با چند ساله نبردها  
و طی دفع نام جالان های کجا از اجناسات

اشتراکات و حتی حرف زدن بزبان کردی  
در ترکیه میشود کردهای ترسیده و فنا  
داری خوش ابروی بدست آوردن آزادی  
باید از دمو و این همداد و آرزو بنیان  
هین است.

گرد های عراق اگر چه روزنامه های  
آزاد کردی - امتناعات احزاب و هر نوع  
آزادی دیگر دارند باز زیر و زبرها  
فرخند کلا خود را از آفتابشام میدانند  
این اگر ساد نیز خواهان و آرزو سنه  
استلانده.

گرد های سوریه به وجود و اینکه  
هنگو تنه آزادی و بیطرفی وجه دارند  
مهدا آزادی دوست و استقلال خود را پیش  
از وضع این حقیقت میانه نه و در هر موقع  
مناسب اقدام برای حصول آزادی خود.  
داری ندارند گمانه با تخمین سایر آسیکو  
ناید گالی برای تمناهای استقلال و آزادی  
فرستاده.

موضعی که نام استقلال کرد بود  
گرفته مروط به کردهای ترکیه - عراق  
و سوریه است - پس از جنگ بین اللالی  
هم که دولت قلع با استقلال کرد موافقت  
شود را اعلام داشته و مامعه سوریه رضا  
شور مستقل شدن سکردستان را تصویب  
کرد مروط بهین ا کرد بود کوچکترین

پیش از گردستان ایران و کردهای ایرانی  
در میان بود حالیه هم اگر از جنبی لیل  
قاصی از گوشه و کنار خبری از استقلال  
گردستان بگوش می رسد مروط بهین  
ا کرد است و کلا جنبه خارج از ایران  
دارد و اگر کرامی شه های رابع با استقلال  
کرد و مروط با گرد ایرانی در حقیق  
جراست مرکز منتشر میشود هوما از  
لایحه مامورین مراه اجوی دولتی سرچشمه  
میگردد والا تا کنون از طرف ا کرد  
ایرانی چنین تمناها ها با اظهاراتی نشده  
است.

موضوع استقلال گردستان که جنبه  
کلاچایی اللالی دارد مسئله ساده ای نیست  
که آسانی بود. بحث قدر آن سیار طولانی  
است از اینجهت فعلا از آن خودداری منجانییم  
قدرت دست و وسوم غیر باید گفت  
رفتن چند نفر یاد کوه یا اگر صحت داشته  
باشد، بخودی خود قابل بحث زیاد نیست  
و ستانسه امری است عادی زیرا هر روز  
از مساجد امامها قدر فرادوست معاصر خارج  
میشود.

اما باید دید منظور از مساجرت به  
بود آنچه اشاره دارد و مورد بحث و  
حله جراید است موضوع انتزاع مهاباد  
میباشد اگر چه شخص در وهله اولی  
چنین غرضی شنیدند مگر میشود و نسی -  
تواند از احسانات همین دوستی خود صرف  
نظر کرده ساخت شنیدنی و اگر قدری  
فکر کند قیام خود توجه می آید هیتی  
از لفاظ جریان امر و نتیجه آن میگردد

از خواننده گان معترم با نهایت تأسف معذرت میخواهیم از اینکه  
مکتب تأخیر بست مقاله کردو گردستان به نام جناب آقای آیت الله  
کردستانی نگارنده میباشد به قدر روزنامه ترسیده و در این شماره موفق  
آن بهرجا نگردیدیم.

ولکنی در کسران قول متفق رسد از حدت اسلام و تابعیت  
ارضی تدبیر کرده اند و مردها شتاب رسد نوشتارهایی از کج بیطرفت  
منظور مشترک دموکریته در جنگ و با وضع نهادن انواع موروثیها  
و از میل کرده و صفت چندین سال بدو رخ رفت باز نوشته ای سوده  
هستی خود رسد ما دسترسج نمودر تا ما در عنوان اسلام تکدی آن نام  
کرده اند خود تا هم به ۹۰ بن فداکاریهایمان اشتراکات و اشتراکات دارند  
و لوچکترین ایرادها شنسکی هم ندارند چگونه ممکن است فکر  
کرد بر خلاف قول سوده و نوشته خود رفتاری بنشاند.

گفته از تمسین وضع سیاسی خود آن نام به اجباب میکند که  
ایران دست لغزیده شده.

در این لحظه ممکن است بعضی بگویند چنن غر و تهاذهای  
مثلا اعتراض فتنی استقلال کردستان ایران ۱۰ تورا بکنکه حاد آن نام ترتیب  
از ردهد.

حکام فرض میبکیم اینها در اولیایان با لاجبار و قهه باشند نوشته شدن  
هم سرده باشد نوشته و جدا هم تمناهای کرده باشند آری موصول شدن  
بسیکی از متنفذین معصومان در این روزهای که سیاست چندان روشن  
نیست و موضوعهای مورد اختلاف بسیار است موجب نخواهد شد  
که در دیگران سر نه ایجاد فردا و همین سوظن ها موجب  
خش کردن این قبیل اقدامات باشد.

آری با استقلال فتنی از ایران با انتزاع نامه از آن با شکر بیان  
اعلانیه هست.

استقلال را در خلیج به کسی نپدیدند برای بدست آوردن استقلال  
مبارزه ما لازم است خود باید بروید خود داشته باشد و دانسته  
باید از میان برود تا ز معلوم هیت است اوضاع عمومی و لویاتیک ملتی  
صحن استقلال باشد اجباب بکنند که آن ملت استقلال بدند.

بنا بر این موضوع این مسافت را که معلوم نیست با اندازه  
صحت دارد و اگر مسافتی باشد برای چه بوده نهایتی است یا نندو  
بزرگ کیم یکم با اطلاعات کافی بدست آورده بچگونگی آن  
بی برد اوقت نظریه فطری داد.

مناطوط که بارها مکرر شدهام معتقدیم که پیک سیاست  
مسائل آیز غلاته تنکی بر تروشین حاکمگذار و تشیه خیانت کار  
باید در میان گردشین حاکمها باشد.

بجای مامورین کوچک لالی و مفسده جو و دزد باید اعبه  
مامورین با گردان ایران دوست که با سیاست و فیهبه و بنشعنان  
و علاقه با یکدیگر و با خلاف اینکه به عمل مسول بوده تخلفان  
را از میان برداشته با پاس و نویسی مبارزه کرده اتحاد و محیبت  
تلاطم سپید در ملا دردمند رواج دهند دستنگردان را پادشاهی  
یکه بود و امیدواران سازمان آتیه ای که به عمل مسول بوده تخلفان  
پسایند بر راه راست هدایت کنند فرهنگ را توسعه دهند ملامه کاری  
کنند که ملام مردم پسایند و اقما دولت متوجه آنهاست و از آنها  
نگهداری میکند که آتیه که هر کسی آتیا برود در فکر دردی نکند  
و بخواهد با پوش سازی کند.

ایطیان بایدیم که کرد و خصوما مهابادی هر که مایل نیست  
خود را بدان جنبی بنشیند از هر کج حاضر نیست از راه و رسم  
چندین هزار ساله خود گذشته و زندگانی توشی وارد خود که پایان  
آرا عاید.

فریاده در اطراف استقلال کرد و متمم نبودن مردم بدون  
جهت استقلال طی و حبس و شکنجه آن نام خود سوزانی با استناد  
مادی تحت این عنوان به تنها بیجه تیکو نخواهد بود بلکه این  
فکر را ایجاد کرده رسوخ خواهد داد.  
ما تا آتیه تری که نوشته ایم هر یکم کلیه مغالطت های که  
بما شد و را کیم کارکنی های که کرده اند در راه امیدوار نبودن  
ساکین نوعی کرد نشین دولت کوشش کرده ایم و این کوشش  
جهت خود را ادامه خواهیم داد بدیسی است وقتی این اقدامات  
بنا بر ظاهر رسیده که دولت هم میدارد بوده بقاظر امر تضاروت نکند  
و مسائل را سطحی نتکرده.

بنام آقای حضرت شمع اردلان

### سر نوشت فرهنگ کردستان

-----

جامهٔ که فرهنگ ندارد فائده همه چیز است هیچ عاملی ندارد فرهنگ نوب در خوشبختی یک ای مورت نیست فرهنگ هر کنوری مبارور عباس لندن و بالاخره پیشرفت آن در کلبه نشون اجتماع است ما فعلاً از کلبت فرهنگ این کشور و چگونگی فرهنگ ملتی که شصت قرن سابقه تمدن دارد بحث میکنیم بعضی معتقدند مابعداثر موجود منتهی الـآن است که گرسناستش میباشد این شهر سی و پنج هزار نسلی که اکثریت آن در آنجا نیستند و در فقر و تسکینی و بالاخره در جراحی و سیه روزی سیه میسختند امروز با فرهنگ خود آن بطور کامل بیگانه قرن از فرهنگ همین کشور وطنی شهر های مجاور خود همه مانده است؛ اما کله نوازم که چندین سال مرزوی در این بیست سال اخیر از مهارت نرتدستی توانست که همچنان اهالی با اسامه اید ناطه را در ورطه سی سوادی و جاهلیت باقی بگذارد؛ و چه متفرد های خامی از این راه عملی شده اما منت بر بیگرم و مد این گذشته ما انگیزه را بخاطر یاد مردم اهالی حال فروغ میکنیم در منطقه که طبیعت با استعداد خرمین خرفانه خود در آن بهره آورنده ذهنین ناحیه که خوش نظری و ذکاوت سرشار ساکنینش زانبرد خرمیرواح است جمل و بیسوازی با نفع نامور و حساس آنرا با طرف نشینی و متناسوق میدهد نسلی بظرف غریبی که ان شهر کنه نشاید تاریخ از قدم لایحم سر زمین لمام و دانسته اندان بوده است در سی جهلو طرف اول شهر و ریز فرهنگ وانی که بتواند آنهارا با صلح نگاه هدایت کند وجود ندارد؛ اما اختلاف بیخوبی با جوامع دیگر کربلاییان این ملت نصیب شده و از همه چاه بیشتریست است مشتاه و سرچند آن جرسوازی عامه پیش باید این خیلت بخند نیز افرادی که در فرهنگ متمدن آفرید که در فخر و احتیاج و انتظار مردم است تاکنون نسبت به فرهنگ این منطقه نوبی که کربلاییان هم از این وصف باز نایند و اصلاح اوضاع مایوس شده اند با کسی باک دامن داشته چون آدمی همین جستن کربلایان فرهنگ کردستان بیگ در سر نوشت اوضاع فرهنگی این شهر ستان بی تاثر نخواه بود و اهالی این فرهنگ کردستان بویژه جوانان و دانشجویان فرهنگ باید انتخاب بین و پیوسته وزارت فرهنگ را با ملیت گرفت و اموار شدایی که در آینه نزدیک ترکو ملیت کردستان در فرهنگ این ناحیه مشهود خواهد شد بر آملی حبیب است که فرهنگ این شهرستان را از وضع آشفته و بیسوسامانی که بنا بر آن حفر مرات بیرون آورند

### جوی کوهستان

درود بنوای مظهر احساسات و آیین افکار اکراد، جبار باش ای مامی شده بدگان و باور مقولان، برونده باش ای ترمان احساسات اهالی کردهستان، خاداب و پایدار یسان ای یکسا به مدافع حقوق اکرادوای میجامه راه آزادی و عدالت، خوش خرم یسان ای سابقان که برای تمجید و اصلاح بر ستان زیبای اینک که بدست دشوخیان آمده و به قرب آتد بدل شده، دان محنت بکرمز دای، غرمتد و کھیاب باشی ای آنکه با تحمل مصائب بر شاری تبه و سائل تیره ما را و به صحت خود قراردادای، و همچنانکه تا کنون بوده ای، شمع خوشع که خود را سوزی تا بدان بزم کسان افروزی

### محمد باقر وکیل

و رساماتی که در خود شایستگی و توانایی ایشان است بدان بسند، لازم است متوجه این نکته باشد که ما در دیت ایشان در وسطی است که فرد اهالی آن از فرهنگش خاطر تلس دارند و تنها ارله توثیق و مخصوصا اصلاحات حال توحی میتوانست این راه کاری تلخ را از خاطر بردانند آملی حبیبی که پیشک یعنی روود بصورت ماموریت خود نقیاب را آشکود که منت درک نوده از جریان امور و دانش، اما در حاله و نور باید بدوشند که جلال خراک باقی دیگران را بگردد تا از این راه همان باک ایشان نیز آلوده و ملوث نگردد ما انتظار داریم آملی حبیب هر اندک مدتی تعلق ضعیف که در فرهنگ این ناحیه مشاهده میفرمایند جازه حونی نوده و در اثر فسالی و اقدامات اصلاح طلبانه خود بتوانند اختارات فرهنگ خوامان و دانش آموزان این شهرستان را بشیر احسن بر آورده نمایند امیدواریم موقت شوند برای تبه فنی از مبر و وجهت بر او بی حساس خوانان و اثرات بیکر از اصلاحات خود در فرهنگ این شهرستان برای نیمه اساس فرهنگی را بر شالوده محاسنی که هدف و آرزوی سنی بیرون نیایند در راه پیشرفت اقدامات اصلاحی با توجه و ترمه فرهنگ که ثمر آن با یاران خوشبختی ما را در سواد و دانش از حیثی که معادنی دروغ نووزیم ما موفقیت آملی حبیب را در انجام این شدمات فرهنگی خواهان بودیم آرزویمیم که اختارات شما در هر چه بود تر مرحله وقوع ر سیمه ر مجامه عمل بخود پوشد.

### ناخاری

نامری اوگر در یاری یکی وفاداری همه هر سخن گاهان صبوحی حامی سرشاری همه هر کسی عسری له آگشگر له بیکی و نان بودد الحق او شخصه عجت و نجسکی دتواری همه عشق و وجدان عالی که غیر او دو عالمه بی خبر هر او دو با بند و هو ساری همه هر کسی وصالی بوی طاقت اینی بینی به قم گل چنین ناچاره به زر حشنی خناری همه شب نمعیسان به ظاهر هات سروردتی سحر ای خدا خوب عالمه آگات له کرداری همه مدعی فخری به کجج و گوهره و من گنج طبع پیاوی دانائی دکا کجی خناری همه دفتری فضل و هنر با وی نه عالم عهده فا فضل او نادانه به امر دو دیناری همه یا نکا قیمت ادب لم عصره دا بالای هنر هر چه لونه بیت متقاضی تو خریداری همه

این اثر را که آثار تصاحب شخصی است آدی صمه امین هوشنه استقرار آل داشته اند.

### آبجی حصر وراثت

ب تاریخ ۲۲ / ۱۳۳۳ / ۱۳۳۳ شماری همه زائده رود شناسنامه شماره ۱۹۹۳ با بنادب بکرم گواهینامه و رو و شت شناسنامه دادخواست شماره ۱۰۰۲ / ۱۳۳۳ شماره ۱۹۹۳ حصر همه الحسن و زائده رود داشته شناسنامه شماره ۱۹۹۲ در تاریخ ۱۳۳۳ / ۵ / ۱۹۹۳ و تهرن ن جایگاه هدیشگی خود نوشت بانک و متاضر و آقایان مرضی زائده رود شناسنامه شماره ۱۹۹۳ و صدر الدین زائده رود شناسنامه شماره ۱۹۹۳ و قسسی الدین زائده رود شناسنامه شماره ۱۹۹۳ و پسران و بیوان محترم زائده رود شناسنامه شماره ۳۳۶ و ولدس زائده رود شناسنامه شماره ۱۹۹۳ و دختران و بانوان محصوره بی شناسنامه شماره ۱۹۹۳ و ظاهره شناسنامه شماره ۱۹۹۱ و زوج دالی منوری و واثب تعمرش بیانشده بی از نشین کوهی کوهان مراتب سه نوت متوالی ملای بیکار و روزنامه و سنی کتود شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آملی میشود سا کدش عدت سمله از تاریخ پیش اولن آملی و نبون منرضی سرمد تنها اقدام خواهده شد نیز اگر کسی وصیت نامه از منتری دار و در فرهنگ مزبود اهراز والا و عیوینا از منتری فرما زوسی و سری را از شد اذوجه اعتبار ساطف خواهد بود.

### رئیس دادگاههای بخش تهرانه

احضاد هوم مسلیین میسران منزل اینجاب بیلان وزارت فرهنگ کوچ بی منت کود کستان بر سه کاشی نره ک جنب حمام مرمر اشان نامه هر کسی عیاب انتداب در سیمو موصه دینی اداده نیاز همه وجامات باشه مرجه فرمای.

نامه ها و نگرانی های وارده

اینک توجه مقامات مسئول را باین موضوع جلب و تقاضای تنقیح قانونی عزیز نماید،  
و اذاعه

**از کرم شاه**  
آقای ح. ن. منیوند: اگر بای آقای سرتیب هسا و نری در مدت توقف تهران اطلاعات کافی کسب کرده و سوابق عده هجوسی را که در سمنج هستند بخوسی فرموده اند ولی تنجیب اینجاست همان هجوسی ها و با همان دورگه ها که نظری جز شراه کردن مامورین دولت ارواحه نکذاشته اند لاف آقای سرتیب وارد خاک گردان شده و عملیات خود را شروع کرده هینکه آقای خرتیب همایون را بکرم شاه رسیده با فاصله آقایان علی اشرف متیر و ذری - حب الله - حبیط - معصوم الدین رحیم زاده - مهمی - تنجی - ملو رضا - تنجی - اشرف سندیج - عصافه جیبی بی محرموشی که سوابق دروشانی آنها بر هیچ کس پوشیده نیست بکرم شاه حرکت و به راهی فرمانده جدید کردستان مراجعت کرده و از همان کرم شاه خواستند آقای سرتیب تازه وارد را هم گمراه نمایند. این امت اوضاع گردستن تا پیش آقای سرتیب همایون هم هست تا نیز تغییر مکتبگرانه با نهویا با الهای بنه و امثال بنده میسر با ما غیر کرمهستان که مامورین جدید الزور و بناطوق متفلسه کردستان باید مشمول همان صفت بر جسته اکراد « میمان نوازی » و احترام بوده و تا موفقی که بر خلاف وظیفه و وجدان و انسانیت

**انگراف** و اندامی کل کشور و نوشت کرمهستان سرکار سردان سابق: آنکه در حدود قلم فرماندهی سوزا میهنه داد و در اثر کثرت فرسایشی عزت نبوده بودند مجدد مراجعت در مستانمات در سمنج سمن سلوک پیشرفت امور محوله نظر دیگری نداشته. اینک کلیه مالکین و زمینین سمن و تواج خود غوغا و سرشوی از تیمار فرماندهی کل زندان مرئی فرمانده هک زاندا مرئی کردستان (جناب سرهنگ ایران پور) اظهار تشکر و سپاسگزاری می نمایند که بکنفر نظریه شش سوپا که در امین رجعت این منطقه انتصاب فرمودند.  
انویروانی - بزادنیه. عبدالحسین شربی - رشید و کیلی - امینو کیلی - معصوم - حسن اخوان - رشید دیوانی علی نزه با زبانی - صالح سلطان پناه  
**از تهران**  
نگرانان شی - اداره کل کوهستانی و نوشت اطلاعات - کوهستان واسطه جهت اداره کل کوهستانی صوم جاقو کس ها مع آردی و بیشتر آن ها برای بندر هراسی رسیده و شر آن ها را از سر اهالی پایتخت کرده است و آن در خورشندان ها شورا سرمد سنج هر روز گزنان چایو کس از بزرگ ششاهای رگ در ولایت میباشد چنانچه سرتیب قبل محامد مان را در سمنج غیر حساسی که برود های زیادی در داد که دارد با جاقو مبروح تا کنون کرمهستان اتمام برای تنجیب ارزنده

کرم شاه متروک

بقیه از صفحه ۴  
اندکاتی مالی معظمین ما - حیوان فاضلی بخواته گران خواهد داد و بنگار نه پیش از این بطویل کلام نیز داد و چه جفرانی خواه خود را در باره مدرد کرم شاه از احاط عدم کجا پیش صفبار. زانیه به فضاقت مدد مکرر و متناهیه و این محبت و واقف باز کر فرمایش حضرت غنی مرتبست « اللهم الخضر و شاریها و ساقیها و باقیها و متعابها و عاصرها و معصرها و حاملها و المحمول الیه و آکل نهانها » خاتمه بهم

بلی کلینیک تهران

بلی کلینیک تهران تحت نظر آقایان دکتر عبدالحسین اردلان و دکتر هوشنگ ظلی دو کتر جهاگیر جهانباد اداره میشود  
بلی کلینیک تهران دارای بخشهای مختلف پزشکی میباشد.  
آدرس: تهران خیابان سوم استنه

آقای

اینجانب محمد سعید براتیان دارنده کابیناهای ملی سمنج برابر شماره ۷۷ استغلی خود را از حزب توده ایران اعلام میدارم.  
براتیانی

علی نسیاند مورد قبول عامه باشند و هر کس هرازداه که میتواند در پیشرفت کارها با آن کس امید بنابر این آقایان با این مسارت حسن نیت خود را نسبت به فرمانده لشکر جدید از داشته اند این کار بنظر ما بیستند است اما اینکه از این عمل خواست بایستند زمین داده، ملیاتی که منجر به دستگیری در کردستان باشد فراموش نماند آن را و اینکه در صورت خود مسامحتی که نسری استند با یقین است داشته باشند در وهن برموده از حرفید. ما خود خواه شناخت ما این اشخاص را اینکه دانا و زرنگ نبیندیم که موفق با غافل فرمانده جدید شده باشند.  
سازدگی گمان نیروی دیگر حنای این مومنین رنگی داشته باشد. شداد نه بر است با همه ایشان فرماید.

معموی درویش آن طرف احماد روسای حکومت ارجیش بود بطوریکه روزی که سوران آرزوئی را در منزل متاراهای میماند فرماینده و اندامی ارجیش از روی اطمینان متاراهای را بر سر کس احضار و خواسته بود از مقام این سوارها اطلاعاتی کس شد.  
حکومت ارجیش گمان میکرد در پیش آمدن ایل حیدری مشار الیه سلیت خود جیبش کرده و ترکهها ظاهر و فاداری خواهد نرد غافل از اینکه او خود یکی از اخلاقی مومنون بود.  
اهالی کلکی زبانی سوران آرزوئی را که حامل دستور شروع معاصات بدوئی تر که بوده با سرور و فوکل المادای استیبال نوده بطوری که از طرفی خوشحالی بنیابش که در امری اشاره شده بود متوجه تنه قبل از وقت مین شد. پس حسن عبادی که دارای مسلطی مرکب از ۲۰۰ نفر نظامی بود حله بردند پس از جنگ معصری نظامیان را اسیر و غلب سلاح کردند. سپس قوتار مرکز ناحیه کل زبانی را مورد حله فراوان دادند. پاک کردن بنیاد که پاک کروهان مسلسل سنگین هم جزء آن بود و بدین آجا ر تشکیل میداد.  
فرماندهی نوزار باشتان سرهیش آدمی قلعه نوزار را مستحکم ساخته بود. تمام پیش بینی های لازمه را هم نموده بود تنها چیزی که نگارش رسیده بود پس از زمان کشتن کرد در راه آزادی ملی خود بود. در بین حله نوزار آرزوئیها شهر های ارجیش و بار گری را هم فراموش نگردیدند. بطرف نوزار حله مستحکم قرار داده بودند.  
مدیران حرکت سرکره چنگ شده ارسال گزارش را بفرماندهی کرد فراموش نمودند و در اینک فرماندهی کرد اظهار داشت تاریخ حله را که در امری معین کرده بود پرسد تا در نام نقاط منطقه جنگی توجید حرکت شود.

نکته نباید گذاشت از روزی که نوای ترقیق تپه را از اذنان خود درویش نهیام بشنیدیم کردار ابراهیم شده بود و تنها آن پرچم بیون محافظ بود که چاهما جوی قوتون ترک را گرفته مانع از تجاوز آتش شده بود.  
در تابستان دامنه آداوات غلبی گرم بود و بنده یاد هم داشت و این کلیت بحال مزاجی کرد که با بیوفات خوش آب و هوا عادت کرده بودند مواظت نداشت لذا در اواسط تابستان آن مناطق شعله شعله شد. همای صرزی ادارات به ارتفاعات گره کشید. شد دشمن از این تغییرات استفاده نمود بکشت قوی خود را از این شیوه عبور داده داخل حدود آزارات شد. ولی برای اطرافه شیخوار را اذلال و چادر خود را برانند و روز دیگر همه آوادنی برای بیوفات دشمن از گره بطرف شیوه سرا زبیره و کلی هوزان هم میماند. برای نیز از این زمین رسیده بود که نوای دشمن چادرهای خود را درشته بطرف بازیر و عقب نشاند.  
این عقب نشینی اثر سو فوای آزارات گزاد کومر از بر می شد و نیز در این دشمن رفتی داش خود آزارات شده بود بدینسانت مورد حله قرار خواهد گرفت. احسان جوی مبروت که حرکت سوران آرزوئی در منطقه کلکی زبانی تر که بار از حله ای که در میمانند شروع کند باز دانسته باشد زیرا شیوه قبل با اینان در تپه ما ساجا شده بودند در این نداشت که پیش درازان خود را که بدین آزارات فرستاده بودند باین زوئی عقب بکشاند.  
حوضی کل زبانی طوایف نازان و مکران از مغیره ابدان سکوت داشته و روسای فادان، معری، نقر ۱۰۰ معری در پیش آقا - بکر علی سلطان - و طاهر علی بی بودند و روسی بکران و شری سالی بود از اینان

# کوهستان

پلم آفای هوشنگ سهرابی

## پیکار مقدس

کله، مورخین و نویسنده گان از عظمت و قدرت ایران باستان داستانها نگاشته و کردار و کثرت و بنا و آبرایی را عموماً ستوده اند.

دلای و نیروغ فکری و فرهنگ ایرانیان قرن‌ها مشهور خاص‌ها مودت باجالی و ایرانیان و عظم انسان دوم در برابر شاهنشاه ایران پرتاز در میانه و فرمان‌داری و اوردنییر پاکبان در اقصی نقاط کشور با ایمان و محبت ابراهیمکت - بدینخانه از او تا قرن هجدهم با بزرگ بر اثر سیاست های گوناگون و استبداد سلطنتی وقت اختراعات بزرگ و پیشرفت از کله داده، و ملت رشید شتر هراساله که در اس آتپا فرزندان نیرومند جوان پیدان کرد قرار گرفته اند. سیر قهرانی پیونده و قوس نزولی ربه آخرین دوچه و اسامهت کنون هم چنان آشتی بار و روزگار قوم و هورلک خویش آگاه اند.

دوینا پندری تنبلی دروغ و جالیوسی و بیادشتی و اطاعت گوناگون و استبداد و فرعون و شرابان و کفر و پوست مارینه خوانده و نه تنها مناسخ و بیعی و درخشان آمانداری از میان برداشته بلکه، بولیکی از سبزه قین، معروف به هاسان از گوران تکامل علمی و تحولات علم و ماشین و الکتریک با شرمین را بدیده شده اند.

انگن های کوه یکبره در شهر پیورده ۱۳۲ کاخ برج‌ل و شکوه ی داد گران فرود ریخته، فرخ‌شاه آزادی که دمختر در زندان زنجیر امر سان امیر پیورده، بالایی غوغیشتی و دادگری را بر روی آسمان لیگون آ، بان گسترده نویی آزادی و لاجت از جنگال کرکن از سروده و خدای تنهار اسپاس میگفتند، در بهای کنگستان مازرین پیورده و طیفه نتاس دولت کشامه شده، بساط زور و مادی و دیکتاتوری و خت برست و غلظ و قدرت بی کشامه مامورین پیورده و طیفه نتاس دولت کشامه پانت‌طیج مشرجه اید، دولت‌سخر رانیهای علمی و ادبی و مذهبی و سیاسی، کادی، مای و اجناسات و فرهنگ از اجزای مختلف تشکیل گردید.

غلامدباسته، مشهور از اجزای و بدین طوفین معلومین بار دیگر قانون و پارلمان زمام امور کشور را بدست گرفت ولی مناسبت این تحولات هم چندین سیاسی

بیش خواب کرده‌مان بساط سابق کام ویشتر اختلاف‌اوسر گرفته شده اما در کردستان که بدینخانه کوه‌های صعب‌العبور و هفتای کتکره دار آن مانع از عبور این موهبت هفتی روز از این تغییر وضع چه‌روزه هم استفاده نکرده.

برای سنده این کرده‌چنگا مهربت و مساوات من مویونی نه انسته پیورده اصول نودستاری روسوم به‌دماجلیت در کپورده لرزان زارتت حدایرما، وده وهیجاس بدون رحمت حتی حق سخن گفتن و نوشتن را داشته است حکومت ظلمی و مفرات دنوار آن حتی در نقاط حساس چنگی دنیا بریده شده با کورار و غده-هرج-صناعت در ایران بوزده شهرهای کردستان بریا و متخلفان از او اسنادبار، با تعالیمی که نونه و مقنیر فیما بین و پیرسی‌های بشر است گمیل می‌شوند.

سانور و سیر طاعت پیرمان سران کشور های نابغ و چگاور در داشته شده، لیکن روزنامه و میانشانه و نامه های پستی و تکراف و تفرقه برودده، مالک السرفات پشین کردنیت نیت کارتل بودی تا ندر آینده چه باشد... از فرقه‌ک و مفرات که پایه و بنیاد تفریبات شکر فر امروزه سازنده رادپر و حب انس است جلوه‌گری کرده مثلا به کلاس دبیرستان مترواح محل ساخته اند. اهالی ساز هم در این بناوه سخن القادان شان ندادده اند. ایجاست که باید صفت این همه بدبختی و تباد - روزی را زود مردم کردستان دانست زیرا کلیه ساکنین شهرستانها و دهستان های دیگر ماسکت در سایه جدید و کوشش خود توانسته اند نسبتا از این آزادی‌پوشالی برهمندگت و قهرا عدالت و قانون را بدست آرند ولی کردستان جایگاه شیران و کاتون بلان و دلاوران و مرگز و کوی پربریز کاران از این ناله غب ماده‌جعت لطیابت و عدم یکانگی و اطاعت پیورده دیو و حثت و هراس را با بنظر بدبختی اختلاف خود برده دادند که در این صورت وظیفه وجدانی و سنگین و غیران و دانشمندان و روزنامه نگاران قوم این است پرسوال مسکنه مردم و برای دفاع از حقوق قانونی خود پیدار نمایند حسنا بریده شریک کوهستان وظیفه مندش است تا جودی عنی نوده اند در هر کرد شرامتنه و همین پرستی واجب است تا همه هر یک کوهستان را اله با انگ‌های خون-آلود ما چاپ و منتشر بگردد. نویی کرده سبب است های آهین قرن خاتیندر پاکبانان را کوییده و حق با نونی بود و با کینر نه بدین وسیله فانیستی خود را نشان دهند.

## محیط و وکالت در محیط سقر و نه

طبق اطلاع آقای سید اطف محبطو کابل و بیسنه و بر مکل ستر و باه که در دوره چهارم اجری در میان دوستی و هرتبه و زحمتش نرد اخیراً برای بی زبزی و کالت دوره با زردم دوباره بسز نشانه و دستاویزی جنی ازوقتی سرفسره! شروع جاسره تنگراتی برله ور علیه اشخاصی نوده و این وسیله پیونده، به نظر اهالی ستر و باه و خود امری در ای شخصیت و خود هراش بنام آورد غفل از اینکه احساسات فطری و کول زد و لایزین بود این منطقه را با این تنبید و مفسدات لیثوان کول زد و لایزین برده تکرارده که شصتا از اهالی ستر و باه میباشم پیش امتثال محیط بروجه و آمال مردان این منطقه آشنایی دارم و از طرفی نیز اطمینان دارم که این منطقه دارای چندین نفر اشخاص لایزین و برجست برای وکالت میباشه که نایزی به ورود آقای محیط از ره دور ندارد.

اگرچه نگارنده عادت ندارم از ادبیه هفت نلم خارج شوم همینقدر بنویسم؛ کسبیکه در دوره وکالت دادگستری بک منطقه را از احیایات خود متذکر و متذکر ساخت و حتی چند دفعه از طرف کانون و لایه و از کالت صاف و سلق نشد آکتون با کدام نامه و حوض شهرت ا در همان محیط مدعی وکالت پارلان خواهد شد!

یکی از بزرگان میرماه:

## داغی هر کسی نتقام و موقعیت خود بی میدود طبق آن درخواست و توقع میمورد بطور قطع جهان بهشت‌دندان میشد

زوار بست کسبیکه مدعی عقل و فراست است خود را در یک جامعه دروس و آرزو! برخلاف مدعی نایده، اگر چه - نگارنده بنا بسویان و آدابش از احساسی که در منطقه ستر و باه دایه، وکالت بر سر درونه و آیشن را بطور کلی می‌نمایشم آنچه گونه امید و اشتیاری در دواالم هم‌مهری و موکلی نه در روز آج نیز بهواسط خدا تعالی داشت ولی شایسته هم بدینام مولده و موطر و از حیث نهمیت داشتن ولی غوار و خلیف چینی که مردانی را قالی وکالت مجلس شورا نداشته باشد و احساس دیگر برای حرا از این مقام در آستیا دست با کتند و بسویب قرآن و اماماتی که خود دست دارم و کلی منطقه ستر و نه در دوره، با زردم بکسر مجلسی خواهد بود از ادبستانه آقای محیط بیگونی هر نوع زحمت و خسارت برای این بنودج بخود تکمیل نمانید. بیایه بوده و نتیجه نخواستیم برده و همچنین ا فراشیایات دوره با زردم و سراسر ملت بطور آزاد از طرف ملت بر گردار شود در این صورت هم آن مقام تعلیمات بشما خلق تفاهد گرفت.

پس چه بنتر خود را کنار کشیده و با مصلح مشهوران را بناتوا و گوشت را بصوابا اگر به تا احساس ذبح مصلی پیروز خود آماده دهنه \* که خفا را البته است آخته‌ها

ارادتمند: یکفر سقزی

## آقای دکتر اردلان مدیر محتوم نامه‌دهنگی کوهستان

چون دو مین مطالعه شماره ۲۸ آن نامه گرامی ملاحظه شد که سعی جامعی بیشتر مربوط بکردستان و شناساندن ادبیات فنون و تشنیتن و مردمان بزرگ آن‌سانان بدیگر موطن اسلام دانشمندان و خبره‌های این منطقه، یکی از مردان زرتکیو داشته‌بود ادب کردستان که شرت‌دهی داشت سالم، این دادرمد بزرگ مردم دکتر سید خنال کردستانی است و برای شرتب جهانی او همین‌س که در زمان‌های سابق چندین بوند دیوار شد و مرحوم مشهور زرتکی توسط سفیر امریکار زد شده سابق وساطت ننود آزاده گردید.

کسب بشیاری در ادبیات و مطرم مختلفه از آن چپاسانه که اغلب چاپگر مرتبه است و کتیبه از آن مرحوم بزرگان کردی چاپ رسیده که جناب آقای تنی از فرقیظی بر آن نوشته‌اند. در هر حال بدین مختصر خواستم بادی از آن مرحوم شده باشد تا در موقع فرصت آذاری از آن داشته‌اند تقدیم گردد.

با تقدیم احترامات ابراهیم اجری